

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره پیاپی ۲۴، زمستان ۱۳۹۵

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

بررسی نقش گردشگری بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رضوانشهر)

مهرانگیز یعقوبی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
محمد باسط قرشی میناآباد^۱: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
نصرالله مولایی هاشجین: استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰ صص ۱۸۸-۱۷۹ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۰

چکیده

در گذشته بافت مسکونی روستاها، عمدتاً حاصل تعامل یا تقابل مستمر انسان روستایی با محیط و عوامل محیطی پیرامونی مانند مصالح ساختمانی بومی متناسب با اقلیم و تبعیت از منابع آب (رود، چشمه و قنات) و با کارکردهای سکونتی و اقتصادی با یک روند تکوینی طبیعی و درون‌زا شکل می‌رفت. اما در دهه‌های اخیر، الگوی مسکن روستایی به دلیل شهرگرایی و توسعه فعالیت‌های گردشگری با تأثیرپذیری از عوامل بیرونی و با شتاب زیادی در حال تغییر می‌باشد. روستاهای گردشگرپذیر شهرستان رضوانشهر از این امر مثنی نیست و در سال‌های اخیر، در مسکن روستایی آن تحولات زیادی رخ داده است. این مقاله که با هدف تبیین تغییر الگوی مسکن ناشی از تعاملات میان گردشگران و روستاییان تدوین گردیده، سعی شده به این پرسش که آیا الگوی معماری جدید در جامعه نمونه مطابق با خواسته و رضایت جوامع روستایی بوده است؟ پاسخ داده شود. روش تحقیق توصیفی-پیمایشی مبتنی بر مشاهده، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه بوده است. در این مطالعه از بین ۱۰۴ روستای شهرستان رضوانشهر ۲۳ روستای گردشگرپذیر به عنوان حجم بررسی شده است و با استفاده از روش کوکران از بین ۵۲۵۰ خانوار برای ۳۵۸ خانوار ساکن در روستاهای نمونه، ۸ نفر از مسئولان دولتی و تمامی مدیران محلی پرسشنامه تکمیل شده است، داده‌ها با آزمون T مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده از داده‌ها بیانگر این واقعیت است که معماری سنتی و بومی در حال از بین رفتن می‌باشد و جای خود را به معماری شیوه مدرن شهری داده است. این نتایج نشان می‌دهد که در شیوه ساخت و ساز مسکن جدید مؤلفه‌های استحکام سازی با امتیاز ۷۳/۵ از تأثیرات مثبت و مورد رضایت مردم به شمار می‌رود اما از نظر کارکردی و اقتصادی با ۹/۴ امتیاز مغایر با شرایط زندگی روستایی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، گردشگری، الگوی مسکن، مسکن روستایی، رضوانشهر.

^۱ نویسنده مسئول: Ghoreshi@iaurasht.ac.ir ، ۰۹۱۱۳۳۶۱۳۹۵

بیان مسأله:

مسکن عنصری مهم در جهت تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی با دو بعد معنوی و مادی در روستاها است. مسکن روستایی نیز از یک سو تحت تأثیر اقلیم و شرایط محیط طبیعی بوده و از سوی دیگر با الگوی معیشت خانواده‌ها ارتباط داشته و در پی یک ضرورت و در نتیجه فعالیت ذهنی و عملی روستاییان به وجود آمده و به صورت یک سنت، فرهنگ معماری هر روستا را شکل داده است (Fateh et al, 2011: 8). بطور کلی خانواده‌های روستایی در ساختن مسکن از امکانات محیط پیرامون خود و مواد و مصالحی که طبیعت در اختیار آنان قرار می‌دهد، استفاده می‌کنند که علاوه بر آسایش به مواردی چون زیبایی و مقاوم بودن نیز توجه دارند. انسان از ابتدای مراکز زیستی برای پاسخ به نیازهای خویش سعی کرده تا محیط را تحت سلطه و خواست خود در آورد (Bahri, 1992:8). در دهه‌های اخیر در ساختار و کارکرد مسکن روستایی تغییرات شگرفی پدید آمده است. آنچنان که کارکرد و نقش مسکن که در ارتباط با معیشت و فعالیت‌های اقتصادی خانواده بوده از بین رفته و دیگر پاسخگوی نیازهای جامعه روستایی نمی‌باشد. علاوه به این در گذشته هزینه ساخت و ساز یک مسکن بسیار اندک بود (Mousavi et al, 2005: 28).

با توجه به تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی، تغییر در الگوی مسکن همانند دیگر پدیده‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است که این تغییرات می‌تواند شکل، اجزاء، اندازه، مصالح و کارکرد را شامل شود. اما آنچه این تغییر را به مسأله تبدیل می‌کند نوع، میزان و روند تغییرات است که ممکن است همسو با تغییر در دیگر اجزای یک ساختار نباشد. تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که مسکن نیز در ارتباط با آنها تعریف می‌شود؛ می‌تواند تحت تأثیر دو سری از عوامل (درونی و بیرونی) باشند و در صورتی که نقش عوامل بیرونی که از نظر ماهیت با عوامل درونی متفاوت است؛ بیشتر باشد موجب ایجاد ناهمگونی می‌شود. گردشگری روستایی را می‌توان گونه‌های مختلف گردشگری همراه با انواع فعالیت‌ها در عرصه‌های روستایی دانست که با توجه به نوع مدیریت و فعالیت پیامدهای مثبت و منفی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی در نواحی روستایی بجا می‌گذارد. امروزه یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییرات الگوی مسکن، توسعه فعالیت‌های گردشگری در عرصه‌های روستایی است که با ورود شهرنشینان به روستاها و ورود الگوهای شهری در روستا از جمله ساخت خانه‌های مدرن، دگرگونی خانه‌های سنتی را که در راستای نیازهای متفاوت روستاییان ساخته می‌شد، در پی داشته است. به طوری که امروزه بیشتر خانه‌های روستایی علاوه بر توسعه ساخت و ساز غیر متعارف با جامعه روستایی و هزینه گزاف، فقط جنبه استراحتگاهی پیدا کرده و این شیوه ساخت و ساز نه تنها با میزان درآمد اکثر روستاییان همخوانی ندارد، بلکه از نظر کارکردهای اقتصادی نیز با فعالیت‌های آنان همخوانی ندارد. هرچند تحول پیوسته مسکن روستایی همچون هر پدیده دیگر روندی غیر قابل اجتناب دارد؛ اما در سال‌های اخیر این تحولات متناسب با ساختار فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی جوامع نبوده و اغلب متأثر از عوامل بیرونی بوده است و در نتیجه سکونتگاه‌های روستایی که مجموعه‌ای همگن و متشکل از هویت کالبدی خاص هر روستا بوده است متحول شده و این خود نیز دگرگونی در شیوه زیست و نظام تولیدی را به همراه داشته است.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که گردشگری روستایی به عنوان یک عامل بیرونی در روستاها از یک سو فرصت‌های جدیدی را برای روستاییان ایجاد نموده و از سوی دیگر، عامل مهم تغییر در شیوه معماری در محدوده مورد مطالعه است. بنابراین جهت همگونی ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی و رضایت‌مندی روستاییان، نیازمند بازنگری و برنامه‌ریزی مدون و دقیقی در ساختار گردشگری روستایی کشور هستیم. بنا براین، پژوهش حاضر با نگاهی به تحقیقات پیشین سعی دارد با رویکردی جامع آثار گوناگون ناشی از فعالیت‌های گردشگری را بر بافت مسکونی در محدوده مورد مطالعه را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد، تا بتوان با ارائه راهبردهای علمی در راستای گردشگری پایدار و به تبع آن توسعه روستایی کمک کرده باشد. روستاهای شهرستان رضوانشهر به دلیل همجواری با دریا، جنگل و کوهستان از جمله زیباترین و جذاب‌ترین مناطق گردشگری استان گیلان محسوب می‌شوند و با قرار گرفتن در مسیر پر تردد گردشگران، هر

ساله در فصول مختلف پذیرای گردشگران زیادی است. این پژوهش در پی آن است تا با شناسایی نوع و میزان در تغییر الگوی مسکن، با تأکید ویژه بر نقش گردشگری، دلایل تأثیرگذار بر این تغییرات را معرفی نماید.

پیشینه نظری تحقیق:

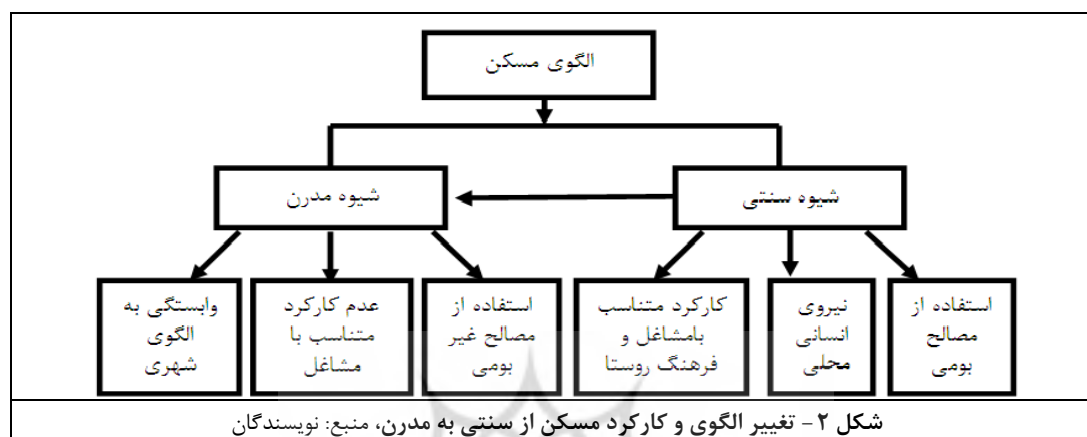
مسکن روستایی به طور طبیعی مکان زندگی افراد و خانوارهای روستایی است که الگو و عملکردهای آن مکان در پیوند با عرصه های مکانی - فضایی همانند دریاچه‌ای است که می‌توان از پشت آن به بررسی و شناخت چشم اندازها و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا پرداخت (Saeidi and Ahmadi, 2011: 8). همگام با تغییرات گسترده در کاربری‌های اراضی و محیط طبیعی، مسکن روستایی و معماری سنتی آن نیز دچار تغییرات گسترده‌ای شده است. بدین ترتیب شیوه‌های تاریخی زندگی، ظواهر سنتی، چشم‌اندازهای زندگی بومی و مسکن در پهنه جغرافیایی کشور شاهد تغییرات بنیادی بوده‌اند (Puortaheri et al, 2011: 129,130). ایجاد بناهای روستایی صرف نظر از شرایط خاص، اغلب تابع محیط جغرافیایی، منابع بومی، ارزش‌ها و فرهنگ بومی می‌باشد که به اقتضای زمان و نیازها در روستا بوجود آمده است (Behtash and Soleymani, 2006:2). طرح، تکنولوژی و شیوه ساخت مسکن روستایی، ابعاد، تناسب، مقیاس و انطباق با شرایط درون و بیرون واحد مسکونی، از میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزامات حکایت دارد که به صورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت‌هایی در ساختار فضایی مسکن روستایی بروز یافته است. به سبب نقش‌های تولیدی و ارزشی در این معیارها، تقویت یا تضعیف این ویژگی‌ها، می‌تواند زمینه پویایی و یا برعکس نابسامانی در کارکردهای جاری نظام فضایی کالبدی روستا را به دنبال داشته باشد (Sartipipuor, 2005:8). مردم روستا در ساختن مسکن از امکانات محیط پیرامون خود و مواد و مصالحی که طبیعت در اختیار آنان قرار می‌دهد، استفاده کرده و تقسیمات داخلی ساختمان‌ها تا حد زیادی متأثر از نحوه معیشت و کارکردهای خانواده است. بنا بر این خصیصه اساسی مسکن روستایی اختلاط فضای کار تولیدی و فضای مسکونی است. مسکن روستائی برخلاف مسکن‌های شهری تنها محل سکونت و استراحت افراد خانواده نیست؛ بلکه به اقتضاء نوع کارکرد اقتصادی خانواده، مرکز نگه‌داری و پرورش دام و طیور، تولید فرآورده‌های دامی، محل کارگاه صنایع دستی و نیز نگه‌داری وسایل تولید و محصولات کشاورزی است. به طور کلی می‌توان گفت: که عوامل مختلفی از قبیل عوامل محیطی (اقلیم، جنس خاک، پوشش گیاهی، شیب زمین) عوامل اجتماعی - فرهنگی (آداب و رسوم، اعتقادات، امنیت) عوامل اقتصادی (نوع تولیدات، میزان در آمد) در شکل‌گیری مسکن روستایی نقش دارند.



شکل یک - مدل مفهومی عوامل شکل‌گیری مسکن روستایی

نواحی روستایی با توجه به پتانسیل‌ها و قابلیت‌ها می‌توانند یکی از مکان‌های جذاب برای گردشگران به خصوص شهرنشینان باشند و نقش مهمی را در احیاء و متنوع‌سازی اقتصادی جوامع ایفا کند، اما در عین حال می‌تواند باعث ایجاد تغییراتی در محیط اجتماعی، اقتصادی و فضای زیستی نواحی شود (Sharply. J and Richard, 1997: 12). که از میان آنها می‌توان به تحولات در الگوی مسکن روستایی اشاره نمود. به طوری که در سال‌های اخیر توجه محققین و پژوهشگران زیادی را

به خود جلب کرده است. از دیدگاه کمسیون جامعه اروپایی، گردشگری روستایی تنها شامل روستاگردی نبوده، بلکه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در مناطق روستایی است. همچنین گروه مردمی توریسم آمریکا نیز توریسم روستایی را هر آنچه می‌داند که گردشگران را به نواحی پیرامون مادر شهرهای اصلی فرا بخواند (Know, 2001:9). این گروه در سال ۱۹۹۵ گردشگری روستایی را رویکردی در جذب و نگه‌داشت گردشگران برای آشنایی با زندگی روستایی عنوان کرده که علاوه بر رونق و توسعه روستایی، امکان بهره‌مندی از مواهب طبیعی و جاذبه‌های محیطی روستا را برای ساکنان شهری فراهم می‌کند (DOT, 1995:5). (شکل شماره ۲).



بیتی (۱۳۹۰) طی انجام مطالعاتی در زمینه ساخت و ساز مسکن روستایی در آذربایجان شرقی بدین نتیجه دست یافت که بافت روستاها به سرعت در حال تغییر چهره دادن و دور شدن از نظام ارزشمند روستایی و شبیه شدن به معماری شهری می‌باشد. دادورخانی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی گردشگری روستایی با الگوی خانه‌های دوم در دهستان برغان به این نتیجه رسیده‌اند که این الگوی گردشگری عمدتاً برسبک معماری ساکنان تأثیر گذاشته و ساختاری نامتناسب با کارکرد روستا به وجود آورده است و در دهه‌های اخیر، گردشگری روستایی پیامدهای گوناگونی مانند تغییر کاربری باغات و مزارع، بافت سنتی مسکن روستا و توسعه معماری ناهمگون با محیط را در پی داشته به طوری که منجر به بروز ناهماهنگی در چهره و ساختار محیطی روستا شده است. آمار (۱۳۸۵) در پژوهشی در زمینه گردشگری خانه‌های دوم در نواحی روستایی بخش خورگام شهرستان رودبار، به این نتیجه می‌رسد که گسترش خانه‌های دوم در این محدوده متأثر از روابط خویشاوندی و مهاجرت معکوس (شهر به روستا) می‌باشد که فاقد برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل بوده و همچنین به صورت خودجوش مکان‌یابی شده است به طوری که تغییر در چشم‌انداز روستایی و شهری شدن سکونتگاه، بر هم خوردن ساختار سنتی و ناهمگونی ساخت و سازها را به همراه داشته است. سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی در گزارشی، پیرامون گردشگری روستایی اعلام کرده است که گردشگری ریشه شهری دارد و در طول زمان در روستاها نفوذ کرده و موجب تغییرات کالبدی در نواحی روستایی شده است. با توجه به تجربیات پیشین، ورود گردشگر به صورت تدریجی می‌تواند در همه ابعاد به خصوص بافت کالبدی مانند الگوی مسکن روستایی تغییرات شگرفی ایجاد کند. OECD (1994).

روش شناسی تحقیق:

روش تحقیق جهت تبیین تغییر الگوی مسکن ناشی از توسعه گردشگری توصیفی- تحلیلی با هدف کاربردی می‌باشد که ابتدا وضع موجود بر اساس اطلاعات اسنادی و نتایج حاصل از مطالعات میدانی، وصیف و سپس با توجه به موضوع و اهداف تحقیق، داده‌ها و اطلاعات در راستای تبیین موضوع با استفاده از جدول، نمودار و آمار استنباطی، تحلیل شد. برای تدوین کلیات تحقیق و مبانی نظری و همچنین بخشی از داده‌های توصیفی، از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و برای دستیابی به اطلاعات و داده‌های تجربی از روش مطالعه‌ی میدانی مبتنی بر تکمیل پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده استفاده شده است. در

پرسشنامه‌ها، از پرسش‌های ترکیبی که بیشتر با روش طیف لیکرت می‌باشد برای سنجش متغیرها استفاده شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل ۲۳ روستای گردشگرپذیر با ۵۲۵۰ خانوار و ۱۸۰۱۳ نفر جمعیت می‌باشد. روستاهای منتخب با استناد به اسناد موجود و استعلام از نهادهای متولی روستا و گردشگری و هم‌چنین با مطالعات میدانی و مشاهدات محقق از بین ۱۰۴ روستای این شهرستان در پهنه‌های مختلف تعیین شد. جامعه‌ی آماری بر اساس فرمول کوکران، ۳۵۸ خانوار به عنوان حجم نمونه مورد مطالعه قرار گرفت. برای اطمینان از روایی پرسشنامه در سنجش موضوع، از نظرات اصلاحی اساتید دانشگاه گیلان و دانشگاه آزاد اسلامی رشت و همچنین اعضای هیات علمی پژوهشکده گردشگری تهران استفاده شد. ضمن اینکه برای سنجش پایایی پرسشنامه با آزمون آلفای کرونباخ، ابتدا تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل شد که نظر به نتیجه آزمون (۰/۷۶)، پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. برای تبیین بهتر پیامدهای ناشی از توسعه‌ی گردشگری بر سکونتگاه‌های روستایی، علاوه بر خانوارها، تمامی مدیران روستایی و تعداد ۸ نفر از مدیران و کارشناسان بخشی، شهرستانی و استانی نیز مورد پرسش قرار گرفته‌اند که پس از جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل آنها نیز با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* تعریف عملیاتی شده و به صورت متغییر وابسته تعریف گردیده است.

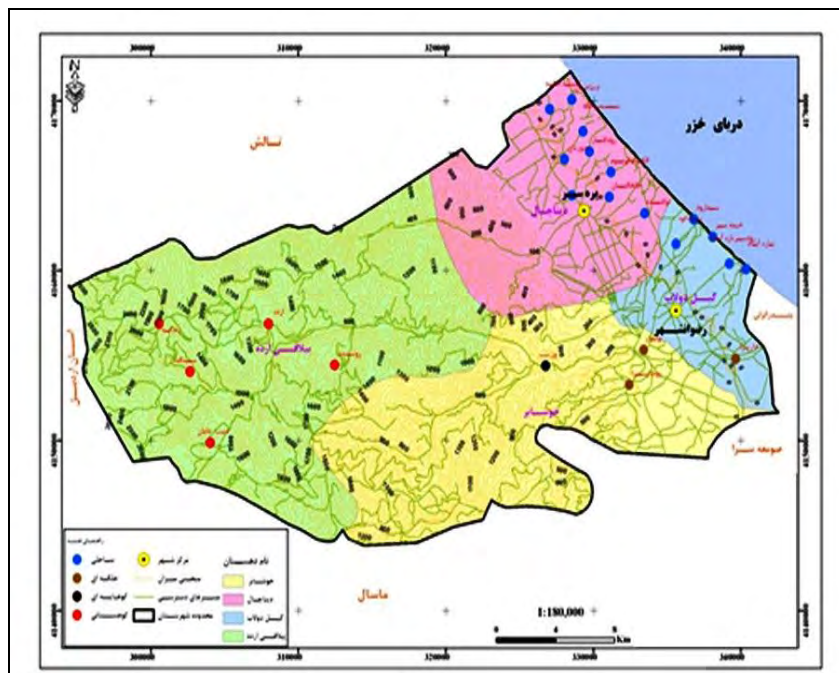
معرفی ناحیه مورد مطالعه:

شهرستان رضوانشهر با مساحت ۷۷۰ کیلومتر مربع در شمال غرب استان گیلان و کرانه جنوب غربی دریای کاسپین با قرار دارد که از شمال به شهرستان تالش، از جنوب به شهرستان‌های ماسال و صومعه سرا، از شرق به شهرستان بندرانزلی و دریای کاسپین و از غرب به استان اردبیل محدود می‌باشد. و با آب و هوایی معتدل و مرطوب از سه بخش ساحلی، جلگه ای و کوهستانی تشکیل شده است که بین ۲۷- تا ۲۸۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای دو بخش، دو شهر، چهار دهستان و ۱۰۴ آبادی دارای سکنه و ۱۹۴۱۷ خانوار و ۶۶۹۰۹ نفر جمعیت است که از این تعداد ۶۷۸۰ خانوار با ۲۲۸۹۳ نفر جمعیت در شهر و ۱۲۶۳۷ خانوار با ۴۴۰۱۶ نفر در روستا زندگی می‌کنند. تراکم نسبی این شهرستان ۸۷ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد. در این پژوهش نیز ۲۳ روستا در پهنه‌های مختلف بررسی شده است که از این تعداد، ۱۴ روستا در پهنه ساحلی، ۳ روستا در پهنه جلگه‌ای، یک روستا در پهنه کوهپایه‌ای و ۵ روستا در پهنه کوهستانی قرار دارند.

جدول ۱- تقسیمات سیاسی و مشخصات جمعیتی روستاهای شهرستان رضوانشهر ۱۳۹۰

شرح	(km) مساحت	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	تعداد آبادی دارای سکنه
شهرستان رضوانشهر	۷۷۰	۱۲۶۳۷	۴۴۰۱۶	۱۰۴
بخش مرکزی	جمع	۵۵۷۵	۲۱۸۸۳	۶۰
	دهستان خوشابر	۲۲۷/۴	۳۳۵۳	۴۰
	گیل دولاب	۶۶/۶	۲۲۲۲	۲۰
بخش پره‌سر	جمع	۵۵۹۴	۲۲۳۴۵	۴۴
	دهستان دیناچال	۱۴۷/۷	۴۹۵۸	۲۱
	دهستان بیلاقی ارده	۳۲۸/۳	۶۳۶	۲۳

منبع: معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، سالنامه آماری ۱۳۹۰، دفتر آمار و اطلاعات استان گیلان



نقشه ۱ - تقسیمات اداری شهرستان رضوانشهر، منبع: سازمان نقشه برداری کشور

یافته‌های تحقیق:

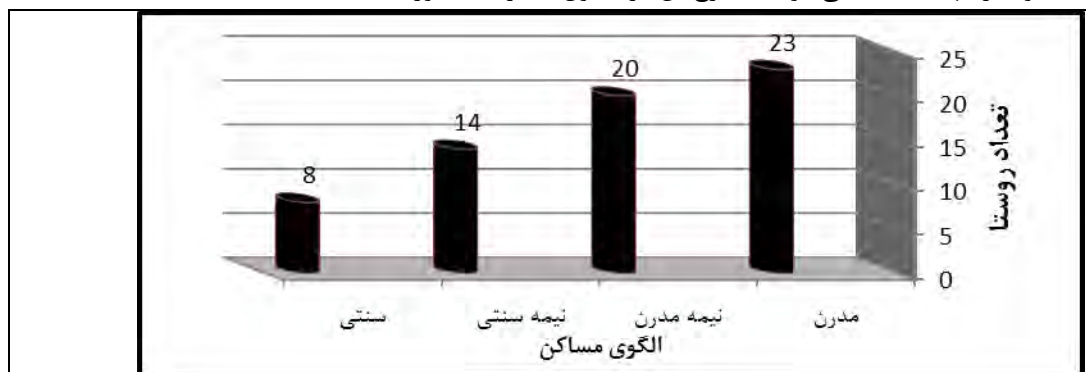
یافته‌های توصیفی: نتایج به دست آمده از ویژگی‌های توصیفی در زمینه‌ی خصوصیات دموگرافیک جامعه‌ی مورد مطالعه حاکی از آن است که ۶۵ درصد افراد جامعه متأهل، ۱۷ درصد مجرد، ۱۸ درصد هم وضعیت خود را بیان نکرده‌اند. از کل جامعه‌ی مورد مطالعه ۶۶ درصد مرد، ۳۴ درصد زن بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلات ۳۱ درصد زیر دیپلم، ۲۷ درصد دیپلم، ۱۰ درصد کاردانی، ۱۲ درصد کارشناسی، ۲ درصد ارشد، ۱۸ درصد هم وضعیت تحصیلی خود را بیان نکرده‌اند داده‌های وضعیت شغلی پاسخگویان نیز نشان می‌دهد، ۹ درصد شغل آزاد، ۱۰ درصد دولتی، ۸۱ درصد هم در بخش کشاورزی اشتغال دارند. توسعه‌ی گردشگری پیامدهای متفاوتی از نظر کارکردی و الگوی معماری در نواحی روستایی شهرستان رضوانشهر به همراه داشته است. با توجه به ماهیت این نوع گردشگری و با تأکید بر نظریات ارائه شده در این پژوهش، سبک معماری، نوع مصالح و افزایش خانه‌های دوم مهم‌ترین اثرات در بخش مسکن روستایی می‌باشد که به آنها پرداخته شده است.

– الگوی معماری در روستاهای منتخب:

معماری واحدهای مسکونی و سایر فضاهای فعالیتی در روستاها از شرایط محیط محلی و نیز آگاهی‌های جامعه روستایی تأثیر می‌پذیرد. آشنایی جامعه روستایی با الگوهای معماری جدید در شهرها و گسترش علایق مبتنی بر فرهنگ زندگی شهری در روستاها می‌تواند الگوی معماری روستایی را از شکل بومی خارج سازد. مسکن به عنوان پناهگاه و اقامتگاه انسان از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده کانون زندگی و احتیاجات انسان است که بایستی در راستا پاسخگویی به نیازها ساخته شود.

در همه پهنه‌های جغرافیایی اعم از کوهستانی و ساحلی الگوی معماری سنتی که برگرفته از نوع معیشت، اقلیم، وضع اقتصادی و فرهنگ مردم روستا بوده است؛ هم اینک این شیوه ساخت و ساز پس از ورود شهرنشینان به اشکال مختلف مدرن شهری تغییر یافته و نه تنها با محیط طبیعی روستاها و اقلیم مغایرت دارد، بلکه به لحاظ کارکردی نیز جوابگوی نیازهای روستاییان نمی‌باشد ضمن اینکه سبب بر هم خوردن بافت روستاها نیز شده است. (عکس‌های شماره ۱ تا ۴). به طور کلی الگوی خانه‌های روستایی تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی و معیشتی آنها است که از نحوه ساخت خانه‌های روستایی می‌توان به

کارکرد و نوع روابط اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آنها پی برد که بی‌تردید در گذر زمان و بر اثر تعاملات بین شهرنشینان و روستاییان و همچنین گسترش امکانات و دانش فنی، شکل و الگوی ساخت و ساز نیز تغییر می‌شود، ولی این تغییرات باید از نظر الگوی معماری، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، استحکام و کارکردی، همسو با جوامع روستایی باشد. روستاهای مورد مطالعه نیز در تحقیق حاضر از این تحول مستثنی نبوده و با تاثیر پذیری از الگوهای شهری تغییرات زیادی در شیوه ساخت و ساز آنها مشاهده می‌شود که شرح آن در جدول شماره ۲ آورده شده است.



نمودار ۱- توزیع تعداد و طرح مساکن در روستاهای منتخب

– مصالح مورد استفاده در کاربری‌های مسکونی در روستاهای منتخب:

منابع و امکانات محلی مجموعه‌ای از مصالحی را فراهم می‌آورند که در معماری بومی محلی به کار گرفته می‌شوند. این مواد و مصالح از خاک، آب و نباتات محل بدست آمده و نشانگر رابطه تنگاتنگ میان بناها و محیط پیرامون می‌باشند. روستاهای مورد مطالعه با توجه به شرایط اقلیمی حاکم، که خاص مناطق جلگه ای گیلان می‌باشد، معماری خاص خود را دارا می‌باشند. سازه و مصالح ساختمانی روستاهای مورد مطالعه در شش گروه ۱- بلوک سیمانی و چوب ۲- آهن و آجر ۳- سنگ و چوب ۴- آجر و چوب ۵- سنگ و چوب ۶- خشت و چوب دسته بندی شده است که مصالح مورد استفاده در ساخت ۲۹/۴ درصد از مساکن روستایی از نوع بلوک سیمانی و چوب، ۲۱/۳ درصد آجر، آهن و چوب، ۱۸/۶ درصد سنگ، آهن و چوب، ۱۷/۸ درصد آجر و چوب و ۱۲/۸ درصد خشت و چوب بوده است.

جدول ۲- توزیع تعداد و درصد مصالح به کار رفته در کاربری‌های مسکونی روستاهای منتخب

جمع		خشت و چوب		آجر و چوب		سنگ، آهن، چوب		آجر، آهن، چوب		بلوک سیمانی و چوب	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۱۰۰	۳۴۳	۱۲٫۸	۴۴	۱۷٫۸	۶۱	۱۸٫۶	۶۴	۲۱٫۳	۷۳	۲۹٫۴	۱۰۱

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۴.

– وجود خانه‌های دوم در روستاهای منتخب:

امروزه در راستای توسعه فعالیت‌های گردشگری ساخت خانه‌های دوم در روستاهای شمالی بویژه در روستاهای مورد مطالعه رو به گسترش است که این پدیده نقش مؤثری بر ایجاد تحولات در الگوی مسکن روستایی دارد، بر همین اساس وجود خانه‌های دوم در روستاهای مورد مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج بدست آمده حاکی از وجود نزدیک به ۴۰۰ خانه دوم در ۲۳ روستای منتخب است که مالکان آنها از شهرهای بزرگی مانند: تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، اردبیل و ... هستند که این افراد خانه‌های خود را در عرصه‌های روستایی با سبک معماری مدرن شهری ساخته‌اند و این الگوی ساخت و ساز سبب شده تا روستاییان هم خانه‌های خود را شبیه خانه‌های شهرنشینان بنا کنند. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از طریق مشاهده و داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها، در مقایسه ۲۳ روستای نمونه، بیشترین خانه دوم در روستای جلگه‌ای رودبارسرا و کم‌ترین در روستای ساحلی سیمبری خاله ساخته شده است.



نمودار ۲- مبدا مالکان خانه های دوم در روستاهای مورد مطالعه

یافته های تحلیلی تحقیق:

با توجه به گذشت یک دهه از فعالیت های گردشگری روستایی در محدوده مورد مطالعه، تحولات کمی و کیفی زیادی را در بخش مسکن روستایی شاهد هستیم. نتایج بررسی ها نشان می دهد که الگوی مسکن در تمام پهنه های روستایی، از شکل بومی به مدرن در حال تغییر است. این تغییرات از نظر الگو (سبک جدید) و گرایش به ساخت خانه های دوم در پهنه های مختلف جغرافیایی شهرستان رضوانشهر، یکنواخت نبوده است. نسبت مسکن مدرن در چهار موقعیت توپوگرافیکی، تفاوت زیادی دارد، کم ترین میزان در روستاهای پایکوهی است که ۱۸/۵ درصد مسکن با الگوهای جدید ساخته شده اند و بیشترین میزان خانه های مدرن در روستاهای جلگه ای با ۳۰ درصد از کل مسکن این قسمت است. اما تفاوت در نسبت خانه های دوم بیشتر بوده و کمترین میزان آن در روستاهای پایکوهی با ۷/۴ درصد و بیشترین میزان آن در روستاهای کوهستانی با ۲۱/۷ درصد می باشد. ساخت خانه های مدرن متأثر از میزان درآمد و عوامل فرهنگی بوده و خانه های دوم تحت تأثیر شرایط اقلیمی و توپوگرافیکی قرار دارد.

جدول ۳- توزیع خانه های دوم و مدرن در محیط های جغرافیایی

شرح	تعداد خانوار		تعداد مسکن		تعداد خانه دوم		تعداد مسکن مدرن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کوهستانی	۳۶۸	۷/۰۱	۳۰۴	۶/۷	۶۶	۲۱/۷	۶۸	۲۲/۴
ساحلی	۳۰۸۸	۵۸/۸۲	۲۷۱۳	۶۰/۱	۲۰۲	۷/۴	۶۳۷	۲۳/۵
جلگه ای	۱۷۴۵	۳۳/۲۴	۱۴۶۹	۳۲/۶	۱۴۱	۹/۶	۴۴۰	۳۰/۰
پایکوهی	۴۹	۰/۹۳	۲۷	۰/۶	۲	۷/۴	۵	۱۸/۵
جمع	۵۲۵۰	۱۰۰	۴۵۱۳	۱۰۰	۴۱۱	۹/۱	۱۱۵۰	۲۵/۵

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۴.

مشاهده می شود با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه تغییر الگوی مسکن، تفاوت محسوسی در بین مسکن سنتی و مدرن وجود دارد، به طوری که تفاوت گویه ها در شرایط وضع موجود در سطح آلفا کم تر از ۰/۰۵ است یعنی بر اساس نظرات پاسخگویان میان ساخت و سازهای جدید که متأثر از پدیده گردشگری بوده و مسکن سنتی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به آزمون T محاسبه شده گویه های اقتصادی (توان مالی در ساخت و ساز، نحوه پرداخت وام های مسکن) و فرهنگی (سازگاری با اعتقادات مذهبی مانند آشپزخانه باز و سرویس بهداشتی در داخل خانه) و کارکردی (فضاهای جانبی مانند بام، کاهدان، انباری و... و فضاهای معیشتی (دارقالی، محل تولیدات آذوقه و وسایل مورد نیاز و...) از دیدگاه جامعه نمونه مناسب نبوده و این الگومورد پسند و رضایت مردم نیست و با نوع مشاغل روستاییان، فرهنگ و میزان درآمد آنها همخوانی و سازگاری ندارد. اما مردم در این شیوه ساخت و ساز جدید از مستحکم بودن ساختمان و بهداشتی بودن آن مانند جدا بودن دام و طویله از انسان،

بهداشت خانه و حیاط و... رضایت داشته‌واز دید جامعه نمونه، وضعیت این مؤلفه در تغییر الگوی مسکن آنها مناسب بوده است (جدول شماره ۴).

جدول ۴ - سطح معناداری تغییر الگوی مسکن در روستاهای منتخب گردشگر پذیر

مؤلفه‌ها	میانگین جامعه نمونه	آزمون T	سطح معنا دار
معماری	۱۹/۷۸	۱۱/۴۱	۰/۰۰۰
استحکام	۷۳/۵۱	۹/۷۲	۰/۰۰۰
کارکردی	۱۷/۲۴	۰/۱۶۴	۰/۰۰۰
بهداشتی	۵۱/۱۸	۲۲/۰۵	۰/۰۰۰
فرهنگی	۱۳/۲۵	۰/۳۱۱	۰/۰۰۰
اقتصادی	۹/۴۲	-۲/۶۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۴.

نتیجه‌گیری:

جامعه روستایی بر اساس نیازهای متنوع از مسکن به عنوان مکان آسایش و کانون تجمع افراد خانواده برای انجام تکالیف فردی و خانوادگی استفاده می‌کنند. نتایج به دست آمده از مطالعات روستاهای منتخب بیانگر این واقعیت است که توسعه فعالیت‌های گردشگری چون در تعامل با فرهنگ، اقتصاد، محیط طبیعی و انسان ساخت در نواحی روستایی می‌باشد، عامل مهم و تأثیرگذار در روند تحولات و دگرگونی در خصوصیات کمی و کیفی از جمله الگوی معماری، اندازه و ابعاد فضایی، کارکردها و نقش‌ها شده است. هر گونه ساخت و ساز با مصالح بومی و در انطباق با خصوصیات محلی و نوع فعالیت همان روستا شکل می‌گرفت و در راستای پاسخگویی به نیازهای روستاییان کارکردهای مختلفی داشته؛ به طوری که نقش‌های زیستی و تولیدی در تداخل با یکدیگر قرار داشتند. اما امروزه به واسطه شهرگرایی و پدیده گردشگری، این ساختار دگرگون شده و ساخت و سازهای نامتعارف و ناهمگونی چون ساختمان‌های چند طبقه با کارکرد استراحتگاهی را در تمامی محدوده مورد مطالعه شاهد هستیم. نتیجه‌ی این تحول، تضعیف نقش‌ها و نابسامانی در کارکرد مسکن روستایی بوده به طوری که نوع زندگی و شیوه معیشت روستاییان را دگرگون ساخته است. همچنین با توجه به نتایج شاهد تراکم مسکونی و افزایش خانوار از جمله صاحبان خانه‌های دوم در روستاهای مورد مطالعه هستیم. به طور کلی مطالعات انجام شده در هر یک از روستاهای منتخب بیانگر این واقعیت است که اگر چه گردشگری منافعی را در زمینه ایجاد اشتغال و کسب در آمد، توسعه خدمات و زیر ساخت‌ها و ... برای جامعه محلی به همراه داشته، ولی بیلان اثرات منفی آن در بخش مسکن بیشتر بوده است. لذا لازم است هر گونه تغییر و تحول در مسکن و معماری روستایی با شناخت از ویژگی‌های خاص هر روستا صورت گیرد و مسئولین امر به خصوص برنامه‌ریزان و متولیان امور روستایی از جمله مدیران محلی نباید به گونه‌ای عمل کنند که الگوی مسکن روستایی به الگوی شهری تبدیل شود و نتواند نیازمندی‌های روستاییان را تأمین کند. در راستای توسعه روستایی بایستی تمام ابعاد و بخش‌ها از جمله محافظت از سبک معماری بومی - محلی در ساختمان سازی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به جدول شماره ۵ و آزمون آماری T گردشگری در روستاهای شهرستان رضوانشهر، همزمان با پیامدهای مثبت بهداشتی و استحکام‌سازی مسکن، در زمینه‌های، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کارکردی پیامدهای منفی در پی داشته است.

Reference:

1. Anabestani, Ali Akbar, (2009).review in rural houses effects on the development of rural settlements, case study: country village in Mashhad, journal rural and development, N:4, P: 149-166. (In Persian)
2. Behtash, Farzad, Soleymani, Mohammad, (2006). Attitude for improvement and retrofit in Iran rural houses against natural disasters, The second international conference on crisis management in unexpected natural disasters. (In Persian)

3. Bemaniyan, Mohammadreza, Hadinezhad, Mahmud, (2009). *Foundations of rural planning and development of rural tourism, publishers by Hele tahan, Tehran. (In Persian)*
4. Beyti, Hamed, (2011). *Assessment place of local patters in program to build rural house, case study: Azar bayjan sharghi State, Journal of urban. (In Persian) management, N:29, p:115-130 (In Persian)*
5. Butler R. Wand Hall .C. M. (1998) *tourism and Recreation in Rural Areas* Johan Wily and sons .Chichester.
6. Dadvarkhani, Fazile, Zamani, Hamid, Ghadiri, Masuom, Mojtaba, Ashar, Esmaeel, (2013). *The role of tourism in rural areas physical changes, case study: Barghan rural district of Savojbolagh city, Rural reseaech, volume:4, N:2, p:277-300 (In Persian)*
7. DOT., (1995), *Cultivating Rural Tourism, Department of Tourism, AGPS, Canberra.*
8. FAO. (1993); *Guidelines for Land Use Planning; FAO Development Series, No.1. Rome: FAO. 96 pages.*
9. Fateh, Mohammad, Daruosh, Babak, (2011). *Rural architecture, Pablshers: elm va danesh. (In Persian)*
10. Gorgani, Amir Hosein, (2007). *Examples of rural housing pattern, ,publishers by Hegmatane, Thran. (In Persian)*
11. Bahrini, Hussein, (1992). *Collection articles physical planning, Studies center for urban and architecture in Iran, First edition, publishers by payam noor University. (In Persian)*
12. Jamieson. Walter (2003) *povety alleviation through sustainable tourism development .economic and social commission for asia and the pacifi .United nations New York*
13. mackercher. B. (1993) *Some fundamental truths abot tourism : under – standing tourisms social and environmental impacts. jornal of sustainable tourism 1. 6-16.*
14. Mison, Piter, (2008). *Tourism, effects, planning and management, Translate by: Mirzaee, Rouzbe, Torabiyan, Poune, publishers by Terme, Tehran.*
15. Mousavi, Beebe Azam, Salehi, Farahnaz, (2005). *Social review in traditional and new patterns of rural housing, journal maskan va enghelab, N: 112, p:28-43 (In Persian)*
16. OECD., (1994), *The contribution of amenities to rural development , paris Organization for Economic Co-operation an Development.*
17. Puortaheri, Mehdi, Roknodin eftekhari, Abdolreza, Badri, Seyed Ali, (2011). *Strategy of physical development for rural areas (international and Iran experience), publishers by Bonyad maskan enghelab islami. (In Persian)*
18. Rahnamaee, Mohammadtaghi, (2008). *Reviews the carrying capacity of tourism destination areas by emphasizing on host community, Journal of human geography, N:66, p:17-33. (In Persian)*
19. Rezvani, Mohammadreza, (2008). *Development of rural tourism with approach of sustainable tourism, Tehran university. (In Persian)*
20. Roberts, L. and Hall, D.. (2001), *Rural Tourism and Recreation: Principle to Practice. Wallingford: CABI Publishing*
21. Saeidi, Abas, (1998). *Foundations rural geography, pablshers by samt. (In Persian)*
22. Saeidi, Abas, Ahmadi, Manizhe, (2011). *City and metamorphosis of structural and functional rural homes, Geographical journal, 9th year, N:31, p:7-33 (In Persian)*
23. Salehinasab, Zahra, *Second home tourism and its effects on rural areas, Mster's thesis, supervisor: Rezvani, mohammadreza, Tehran university. (In Persian)*
24. Sartipipuor, Mohsen, (2005). *Indicators of rural housing architecture in Iran, Journal of fine arts. N:22, p:43-52 (In Persian)*
25. *Statistical yearbook, (2011). Planning department Giulan. (In Persian)*
26. Wall. G. (1997) *Rethinking impacts to tourism. in tourism development (C. Cooper. B. ARCHER and S. wanhill eda) pp. 1-10. Chchester johan wiley and sons.*
27. Ziyaaee, Mahmud, Salehinasab, Zahra, (1999). *Typology tourism in rural areas physical changes, Journal of human geography, N:66, P:71-84. (In Persian)*